

# اعلامیه

کرده‌مایی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی

# و بیانیه صلح ۱۹۵۷



از انتشارات :  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)  
قیمت ۲۵ ریال

اعلامیه

گردهمایی نمایندگان

احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی

منعقد در مسکو ۱۴ تا ۱۶ نوامبر ۱۹۵۷

نمایندگان حزب کارآلبانی، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کارگران سوسیالیست مجارستان، حزب زحمتکشان ویتنام، حزب وحدت سوسیالیستی آلمان، حزب کمونیست چین، حزب کارگر کره، حزب انقلابی خلق مغولستان، حزب متحد کارگران لهستان، حزب کارگران رومانی، حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و حزب کمونیست چکسلواکی روابط فیما بین، مسایل جاری وضعیت بین المللی، ومبارزه در راه صلح و سوسیالیسم را مورد بحث قرار دادند.

این تبادل افکار، بیانگریگانی نظرات احزاب در مورد همه مسایل مطروحه در گردهمایی و اتفاق آرا در ارزیابی وضعیت بین المللی بود. در جریان مذاکره، شرکت کنندگان در مورد مسایل عام جنبش بین المللی کمونیستی نیز به اختصار بحث کردند. شرکت کنندگان در گردهمایی، در تدوین این اعلامیه، بانمایندگان احزاب برادر کشورهای سرمایه داری مشورت کردند. احزاب برادری که در این گردهمایی حضور نداشتند، ملاحظات مصرحه در این اعلامیه را اساساً ارزیابی و نسبت به اقدامات لازم در قبال آن تصمیم خواهند گرفت.

مضمون اصلی عصر ما، گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم

با بوزش از خوانندگان با توجه به کوشی که صرف تسریع در امر چاپ این کتاب شد متأسفانه برخی کلمات غلط چاپ شد. لطفاً قبل از مطالعه غلطهای مزبور را تصحیح نمایند.

صفحه	سطر	غلط	درست
۵	۱۰	ارتجاعی	ارتجاع
۵	۲۲	توافق	موافقت
۶	زیرنویس	SIATO	SETO
۱۲	۲	و کمونیستی	و جنبش کمونیستی
۲۰	۲۱	نویس متزلزل	نویس را متزلزل
۲۴	۵	ملت	ملت های
۲۴	۱۷	می کشاند	کشاند
۲۴	۲۰	میلیونها مرد، زن و کودک (زاد است)	
۲۵	۳	آنچه	آن
۲۵	۱۹	طبیعت دست	طبیعت دست
۲۵	۱۹	روبه روز	روز به روز
۲۸	۲۵	تهدید	تهدید
۲۹	۹	آشتی ناپذیرترین	آشتی ناپذیرترین دشمنان
۲۹	۱۸	ین	آن
۲۹	۱۳	دادند	دارند
۳۰	۱۳	نیستند	نیستند
۳۱	۵	قطع	برای قطع
۳۱	۶	مبارزه	برای مبارزه
۳۱	۷	مبارزه	مبارزه



\* اعلامیه گردهمایی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشور

های سوسیالیستی منعقد در مسکو و بیانیه صلح (۱۹۵۷)

\* چاپ اول: اسفند ماه ۱۳۵۹

\* از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

است که با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه آغاز شد. امروز بیش از یک سوم جمعیت جهان - متجاوز از ۹۵۰ میلیون نفر - راه سوسیالیسم را در پیش گرفته اند و یک زندگی نوین را می‌سازند. رشد شگرف نیروهای سوسیالیسم، گسترش سریع جنبشهای ملی ضد امپریالیستی را در دوران پس از جنگ دامن زده است. طی دوازده سال گذشته؛ علاوه بر جمهوری خلق چین، جمهوری دموکراتیک ویتنام و جمهوری دموکراتیک خلق کره؛ بیش از هفتصد میلیون نفر از زیر یوغ استعمار خلاصی یافته، موفق به برقراری دولت‌های مستقل ملی شده‌اند. خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته که هنوز در رنج اسارت بسر می‌برند، در حال تشدید مبارزه جهت‌رهایی ملی‌اند. پیشروی سوسیالیسم و جنبش‌رهایی بخش ملی، تلاشی امپریالیسم را شتابی عظیم بخشیده است. امپریالیسم سلطه پیشین خود را بر بخش اعظم مردم جهان از دست داده است. جوامع کشورهای امپریالیستی، به علت تضادهای ژرف طبقاتی و نیز تضادهای آشتی‌ناپذیر میان این کشورها، دچار شکاف شده؛ حال آنکه طبقه کارگر دست به مقاومت فزاینده‌ای در برابر سیاست امپریالیسم و انحصارات می‌زند و برای زندگی بهتر، حقوق دموکراتیک، برای صلح و سوسیالیسم می‌جنگد.

در عصر ما، تکامل جهان، توسط جریان و نتایج رقابت بین دو نظام اجتماعی کاملاً متخاصم تعیین می‌گردد. در چهل سال گذشته، سوسیالیسم ثابت کرده است که، بعنوان یک نظام اجتماعی، بسیار برتر از سرمایه‌داری است. سوسیالیسم تکامل نیروهای مولد را با آهنگی که برای سرمایه‌داری بی‌سابقه و غیرممکن است، تضمین و ارتقاء مداوم سطوح مادی و فرهنگی (زندگی) زحمتکشان را، تأمین کرده است. گام‌های بلندی که اتحاد شوروی در زمینه اقتصاد، علم و تکنولوژی برداشته است

و دستاوردهای دیگر کشورهای سوسیالیستی در ساختمان سوسیالیسم دلیل قاطعی بر نیروی حیاتی عظیم سوسیالیسم است. در کشورهای سوسیالیستی، زحمتکشان از آزادی راستین و حقوق دموکراتیک برخوردارند؛ قدرت خلق، وحدت سیاسی توده‌ها، برابری و دوستی بین ملت‌ها، سیاست خارجی مبتنی بر حفظ صلح جهانی و ارائه کمک به ملل تحت ستم در مبارزه‌رهایی بخش آنان را تضمین می‌کند. نظام سوسیالیستی جهانی که پیوسته رشد می‌کند و نیرومندتر می‌شود، هر چه بیشتر بر وضعیت بین‌المللی بسود صلح، پیشرفت و رفاه‌رهایی خلق‌ها تأثیر می‌گذارد. در حالی که سوسیالیسم روبه اعتلاست، امپریالیسم روبه زوال می‌رود. مواضع امپریالیسم، بعلیت فروپاشی نظام مستعمراتی، شدیداً تضعیف شده است. کشورهای که یوغ استعمار را بدور افکنده‌اند، به دفاع از حاکمیت خویش برخاسته‌اند و به خاطر استقلال اقتصادی، صلح بین‌المللی، می‌جنگند. وجود نظام سوسیالیستی؛ مساعدت ملل سوسیالیست به این کشورها بر مبنای اصول برابری و همکاری بین‌المللی و ملل سوسیالیست در مبارزه بخاطر صلح و علیه تجاوز؛ به آنان کمک می‌کند تا آزادی ملی خود را حفظ و پیشرفت اجتماعی خویش را تسهیل کنند.

در کشورهای امپریالیستی، تضاد بین نیروهای مولد و روابط تولیدی حادث‌گشته است. از بسیاری جهات، علم و مهندسی نوین بسود پیشرفت اجتماعی، به نفع همه افراد بشر، بکار گرفته نمی‌شود زیرا سرمایه‌داری، تکامل نیروهای مولد جامعه را مانع می‌شود و آن را مسخ می‌کند. اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بی‌ثبات و متزلزل باقی می‌ماند. رونق نسبی فعالیت‌های اقتصادی که هنوز در برخی از کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌شود، تا میزان زیادی متکی بر پایه لرزانی است که توسط مسابقه تسلیحاتی و دیگر عوامل زودگذر بدست آمده است. اما

اقتصاد سرمایه‌داری ناگزیر است که بارکودها و بحرانهای عمیق جدیدی مواجه شود. رونق موقت بازرگانی، تداوم توهم رفیرمیستی در میان بخشی از کارگران کشورهای سرمایه‌داری را راسبب می‌شود. دردوره پس از جنگ، بخش‌هایی از طبقه کارگر کشورهای پیشرفته تر سرمایه‌داری، در پیکار علیه استثمار فزاینده و برای دستیابی به سطح بالاتر زندگی، توانسته‌اند تا حدودی سطح دستمزدها را بالا ببرند؛ هرچند در تعدادی از این کشورها، سطح واقعی دستمزدها پایین تر از سطح دستمزد قبل از جنگ است. اما در بخش اعظم دنیای سرمایه‌داری، بویژه در کشورهای مستعمره و وابسته، میلیون‌ها تن از مردم زحمتکش همچنان در فقر بسر می‌برند. هجوم گسترده انحصارات به بخش کشاورزی، سیاست قیمت‌گذاری، نظام اعتبارات و وام دهی بانکی که توسط آنها تحمیل می‌شود، و افزایش مالیات ناشی از مسابقه تسلیحاتی، موجب فقر و خانه‌خوابی مداوم بخش عمده توده دهقانی گشته است. تشدید تضادها، نه فقط بین بورژوازی و طبقه کارگر، بلکه همچنین بین بورژوازی انحصاری و همه بخشهای خلق، بین بورژوازی انحصاری ایالات متحده از یک سو و خلقها و حتی بورژوازی دیگر کشورهای سرمایه‌داری از سوی دیگر، وجود دارد. زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری در چنان شرایطی بسر می‌برند که هر چه بیشتر آنان را متقاعد می‌سازد که تنها راه‌هایی‌شان از این وضعیت مشقت‌بار راه سوسیالیسم است. بدین ترتیب، شرایط هر چه مساعدتری برای کشاندن آنان به مبارزه فعال در راه سوسیالیسم، ایجاد می‌شود.

محافل تجا و زگرا امپریالیستی ایالات متحده، با تعقیب سیاست باضطلاح "مواضع قدرت"، در صدد تا غالب کشورهای جهان را به زیر سلطه خود کشند و مانع از پیشروی انسان مطابق

قوانین تکامل اجتماعی گردند. این محافل به بهانه "مبارزه با کمونیسم"، به کشاندن تعداد هر چه بیشتری از کشورها به زیر سلطه خود، به تمهید انهدام آزادی‌های دموکراتیک، به تهدید استقلال ملی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، به سعی در کشاندن خلقهای آزاد شده به دام اشکال جدید استعمار، و بطور منظم، به کارگردانی فعالیتهای براندازانه علیه کشورهای سوسیالیستی مشغولند. سیاست پاره‌ای از گروههای تجا و زگرا ایالات متحده آنست که تمامی نیروهای ارتجاعی جهان سرمایه‌داری را به دور خویش گرد آورد. با اتخاذ این سیاست، آنان بصورت مرکز ارتجاعی جهانی و دشمنان سوگند خورده مردم درآمده‌اند. این نیروهای امپریالیستی متجا و ضد خلق، با چنین سیاستی، به استقبال نابودی خود می‌شتابند و گور خویش را می‌کنند.

مادامی که امپریالیسم وجود دارد، همیشه محلی برای جنگهای تجا و زکارانه موجود خواهد بود. در طول سالیان پس از جنگ، همواره امپریالیستهای آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و دیگر امپریالیستها و دست‌نشانندگان نشان جنگهای رادرهندوچین، اندونزی، کره، مالایا، کنیا، گواتمالا، مصر، الجزایر، عمان و یمن براه انداخته یا در تدارک آنند. در عین حال، نیروهای متجا و ز امپریالیستی، صریحا از کاهش تسلیحات، از منع استفاده و تولید سلاحهای اتمی و هیدروژنی، از توافق با قطع فوری آزمایش اینگونه سلاحها احتناع می‌ورزند؛ به "جنگ سرد" و مسابقه تسلیحاتی ادامه می‌دهند؛ پایگاههای نظامی بیشتری بنا نموده، سیاست تجا و زکارانه فروپاشاندن صلح را دنبال کرده و خطر یک جنگ جدید را ایجاد می‌کنند. اگر، پیش از آنکه توافقی در مورد منع سلاحهای هسته‌ای حاصل آید یک جنگ جهانی درگیرد،

بطور اجتناب ناپذیری به یک جنگ هسته‌ای با قدرت تخریبی سابقه تبدیل می‌شود.

میلیتاریسم در آلمان غربی با کمک ایالات متحده در حال احیاشدن است؛ از این رو بستری مناسب برای جنگ در قلب اروپا در شرف پیدایش است. مبارزه با میلیتاریسم و ریوانچیسیم<sup>۱</sup> آلمان غربی که صلح را تهدید می‌کند، وظیفه مبرمی است که پیش‌اروی نیروهای دوستانه صلح در میان مردم آلمان غربی و تمام ملل اروپا قرار دارد. و بویژه، نقش بزرگ در این مبارزه، برعهده جمهوری دموکراتیک آلمان - اولین دولت کارگری - دهقانی در تاریخ آلمان؛ که شرکت کنندگان در این گرهمایی همبستگی و پشتیبانی کامل خویش را از آن اعلام می‌دارند - قرار گرفته است.

همزمان، امپریالیستها برای تحمیل دکترین رسوای "آیزنهاور - دالس" به خلقهای آزادیخواه خاورمیانه در تلاشند تا بدینوسیله در این منطقه، خطر جنگ را پدید آورند. آنان به طرح‌ریزی توطئه‌ها و تحریکات علیه سوریه مستقل مشغولند. تحریکات علیه سوریه، مصر و دیگر کشورهای عربی، هدف تفرقه و انزوای کشورهای عربی را، به قصد از میان بردن آزادی و استقلال آنها، دنبال می‌کند.

بلوک متجاوز "سیتو"<sup>۲</sup> منشاء خطر جنگ در آسیای جنوب شرقی است.

اکنون مسأله جنگ یا همزیستی مسألت‌آمیز، مسأله حیاتی سیاست جهان است. همه ملت‌ها باید نهایت هوشیاری

(۱) Revanshism سیاست انتقام‌جویانه برای بازپس

گرفتن موقعیت و منافع از دست‌رفته م.

(۲) SIATO سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی.

را در قبال خطر جنگ که امپریالیسم ایجاد کرده، بکار بندند. در حال حاضر نیروهای صلح آن چنان رشد کرده‌اند که امکان واقعی برای جلوگیری از جنگ، همانگونه که نقش بر آب شدن طرحهای امپریالیستی در مصر آن راه اثبات رسانید، فراهم آمده است. نقشه امپریالیستی در بکار گرفتن نیروهای ضد انقلاب جهت برانداختن نظام دموکراتیک خلق در مجارستان نیز به شکست انجامید.

آرمان صلح، توسط این نیروهای قدرتمند زمان ما پاسداری می‌شود:

اردوگاه شکست‌ناپذیر کشورهای سوسیالیستی به رهبری اتحاد شوروی؛ کشورهای آسیایی و آفریقایی دوستانه صلح که موضعی ضد امپریالیستی اتخاذ کرده‌اند و همراه با کشورهای سوسیالیستی یک منطقه گسترده صلح را تشکیل می‌دهند؛ طبقه کارگر بین‌المللی، و در راس همه، پیشاهنگ آن احزاب کمونیست؛ جنبشهای رهایی بخش خلقهای مستعمرات و نیمه مستعمرات؛ جنبش صلح‌طلبانه توده‌ای خلقها، خلقهای کشورهای اروپایی که اعلام بیطرفی کرده‌اند، خلقهای امریکای لاتین و توده‌های خودکشورهای امپریالیستی، که قاطعانه در مقابل نقشه‌های یک جنگ جدید مقاومت می‌کنند. اتحادی از این نیروهای قدرتمند می‌تواند از جنگ پیشگیری کند؛ ولی چنانچه امپریالیستهای دیوانه جنگ، طلب بی‌اعتنا به همه چیز، در برافروختن جنگ جسارت ورزند، امپریالیسم خود را محکوم به فنا خواهد کرد. زیرا خلقها، نظامی را که اینهمه رنج و مشقت برایشان می‌آورد و اینهمه قربانی از آنها می‌گیرد بیش از این تحمل نخواهند کرد.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت‌کننده در گرهمایی اعلام می‌کنند که اصل لنینی همزیستی مسألت‌آمیز و نظام - که

در مصوبات بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تکامل یافته و با شرایط زمان انطباق یافته است. شالوده‌ای محکم برای سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و ستون قابل اتکایی برای صلح و دوستی بین خلقهاست. اندیشه همزیستی مسالمت‌آمیز، با پنج اصلی که مشترکاً توسط جمهوری خلق چین و جمهوری هندوستان پیشنهاد شده و نیز با برنامه پذیرفته شده در کنفرانس آفریقا-آسیایی باندونگ، منطبق است. صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اکنون خواست توده‌های وسیع در همه کشورهای است.

احزاب کمونیست مبارزه بخاطر صلح را بنمنا به نخستین وظیفه خویش می‌شمارند. آنها همراه با همه نیروهای صلح دوست، منتهای کوشش خود را جهت پیشگیری از جنگ بعمل می‌آورند.

۲

کردهمایی بر آنست که در موقعیت کنونی تحکیم وحدت و همکاری برادرانه کشورهای سوسیالیست، احزاب کمونیست و کارگری کلیه کشورها، و همبستگی طبقه کارگر بین‌المللی، جنبشهای رهایی بخش ملی و دموکراتیک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

روابط فیما بین کشورهای نظام جهانی سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری، بر پایه اصول مارکسیسم-لنینیسم؛ اصول انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد، که صحت آن رازندگی به اثبات رسانده است. امروز منافع حیاتی زحمتکشان همه کشورهای ایجاب می‌کند که از شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی؛ که با تعقیب سیاست حفظ صلح

در سراسر جهان، پشتوانه صلح و پیشرفت اجتماعی‌اند، پشتیبانی کنند. طبقه کارگر، نیروهای دموکراتیک و زحمتکشان سراسر جهان علاقمندند که بطور خستگی ناپذیر روابط برادرانه خود را بخاطر آرمان مشترکشان تقویت کنند؛ دستاوردهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی حاصله در اتحاد شوروی - اولین و قوی‌ترین قدرت سوسیالیستی - در جمهوری خلق چین و در تمام کشورهای سوسیالیستی را از دست اندازیهای دشمن مصون دارند؛ و شاهد گسترش و تحکیم این دستاوردها باشند.

کشورهای سوسیالیستی روابط فیما بین را بر مبنای اصول برابری کامل، احترام به تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت کشور و عدم دخالت در امور یکدیگر پی‌می‌ریزند. این اصول، (اصولی) حیاتی‌اند. اما این اصول جوهر روابط میان آنها را تماماً می‌دربر نمی‌گیرد. کمکهای برادرانه متقابل، جزء لاینفک این روابط است. این کمکها بیان آشکار انترناسیونالیسم سوسیالیستی است.

کشورهای سوسیالیستی، همکاری اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را؛ بر اساس تساوی کامل، منافع متقابل و کمک رفیقانه متقابل؛ بین خود برقرار کرده‌اند که در ارتقاء استقلال اقتصادی و سیاسی هر یک از کشورهای سوسیالیست و بطور کلی کشورهای مشترک المنافع سوسیالیستی، سهم بسزایی دارد. کشورهای سوسیالیستی به گسترش و پیشرفت همکاری اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر ادامه خواهند داد.

کشورهای سوسیالیستی همچنین از توسعه همه جانبه مناسبات اقتصادی و فرهنگی با همه کشورهای دیگر، بنا به خواست آنان، بر اساس برابری، منافع متقابل، و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر جانبداری می‌کنند.

همبستگی کشورهای سوسیالیستی علیه هیچ کشور دیگری

نیست. برعکس، در خدمت منافع همه خلقهای صلحدوست قرار دارد، از تلاشهای تجا و زرگرانه محافل جنگ طلب امپریالیستی جلوگیری می‌کند و نیروهای رشدیابنده صلح را حمایت و تشویق می‌کند. کشورهای سوسیالیستی مخالف تقسیم جهان به بلوک‌های نظامی‌اند. لیکن بنا به وضعیتی که پدید آمده؛ در برابر قدرتهای غربی که از پذیرش پیشنهادات کشورهای سوسیالیستی مبنی بر لغو متقابل بلوک‌های نظامی امتناع می‌ورزند؛ سازمان پیمان ورشو، که دارای ماهیت دفاعی است و در خدمت امنیت خلقهای اروپا و صلح در سراسر جهان است باید حفظ و تقویت شود.

کشورهای سوسیالیستی با توجه به این واقعیت که مسیر مشترک سوسیالیستی را می‌پیمایند، بموجب جوهر طبقاتی مشترک نظام اجتماعی و اقتصادی و قدرت دولتی، بر طبق نیاز به کمک و پشتیبانی متقابل، بموجب منافع و اهداف مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم، بخاطر پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم، بموجب ایدئولوژی - مارکسیسم - لنینیسم که در همه آنان مشترک است، در یک جامعه واحد متحد شده‌اند.

همبستگی و اتحاد تنگاتنگ کشورهای سوسیالیستی ضامن معتبر حاکمیت و استقلال ملی هر یک از آنهاست. روابط برادرانه مستحکم تر و دوستی میان کشورهای سوسیالیستی لزوم یک سیاست انترناسیونالیستی - لنینیستی را از جانب احزاب کمونیست و کارگری، لزوم آموزش تمام زحمتکشان با روحیه تلفیق انترناسیونالیسم و میهن پرستی، و لزوم تلاش مصممانه برای غلبه بر بقایای ناسیونالیسم بورژوازی و شوونیسم را ایجاد می‌کند. تمامی مسایل مربوط به روابط میان کشورهای سوسیالیستی می‌تواند، از طریق بحث رفیقانه، با رعایت اکید اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی، کاملاً حل و فصل شود.

پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در دموکراسی‌های خلق، همدلی عمیق طبقه کارگر و زحمتکشان همه کشورهای را بدست می‌آورد. اندیشه‌های سوسیالیسم مردم جهان را میلیون، میلیون بسوی خود جلب می‌کند. در این شرایط، بورژوازی امپریالیست برای شکل دادن ایدئولوژیک توده‌ها اهمیت فزاینده‌ای قایل می‌شود، سوسیالیسم را واژگونه جلوه می‌دهد، مارکسیسم - لنینیسم را لوث می‌کند، و توده‌ها را گمراه و سردرگم می‌سازد. بنا بر این، هشید آموزش مارکسیست - لنینیستی توده‌ها، پیکار علیه ایدئولوژی بورژوازی، افشای دروغ پردازیه‌ها و جعلیات افترا آمیز تبلیغات امپریالیستی علیه جنبش سوسیالیستی و کمونیستی، و نیز تبلیغ وسیع اندیشه‌های سوسیالیسم، صلح و دوستی بین ملت‌ها بنحوی ساده و قانع کننده، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

گردهمایی یگانگی نظرات احزاب کمونیست و کارگری رادر مورد مسایل اساسی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم تأیید کرد، تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بطور کامل درستی این حکم مارکسیستی - لنینیستی را به اثبات رساند که تعدادی قوانین بنیادی قابل اجرا در همه کشورهای که به راه سوسیالیسم می‌روند، برپروسه‌های انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم حاکم‌اند. این قوانین هم‌اکنون همراه با ویژگی‌ها و سنت‌های بسیار متنوع ملی تاریخی که می‌باید به تمام معنی به حساب آورده شوند، تجلی می‌یابند. این قوانین عبارتند از: رهبری توده‌های زحمتکش توسط

طبقه کارگر، که هسته مرکزی آن حزب مارکسیست - لنینیست است، به منظور تحقق این یا آن شکل از انقلاب پرولتاریایی و برقراری این یا آن شکل از دیکتاتوری پرولتاریا؛ اتحاد طبقه کارگر و توده اصلی دهقانان و دیگر بخشهای زحمتکشان؛ الغاء مالکیت سرمایه داری و برقراری مالکیت عمومی بروسایل اساسی تولید؛ بازسازی تدریجی کشاورزی بشیوه سوسیالیستی؛ رشد برنامه ریزی شده اقتصاد ملی به منظور بنای سوسیالیسم و کمونیسم؛ ارتقا سطح زندگی زحمتکشان؛ انجام انقلاب سوسیالیستی در حوزه ایدئولوژی و فرهنگ و ایجاد گروه وسیعی از روشنفکران وفادار به طبقه کارگر، زحمتکشان و آلمان سوسیالیسم؛ نابودی ستم ملی و برقراری برابری و دوستی برادرانه میان خلقها؛ دفاع از دست آوردهای سوسیالیسم در مقابل حملات دشمنان خارجی و داخلی؛ همبستگی طبقه کارگر هر کشور با طبقه کارگر دیگر کشورها، یعنی انترناسیونالیسم پرولتری.

مارکسیسم - لنینیسم، کاربرد خلاق اصول عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را بنا به شرایط مشخص هر کشور ایجاد میکند، و تقلید مکانیکی از سیاستها و تاکتیکهای احزاب کمونیست دیگر کشورها را مردود می شمارد. لنین مکرراً "به لزوم کاربرد صحیح اصول اساسی کمونیسم، برطبق خصوصیات ویژه هر ملت و کشور مربوطه به آن تاءکید نموده است. نادیده گرفتن ویژگیهای ملی از جانب حزب پرولتاریایی، بطور اجتناب ناپذیری به جدایی آن (حزب) از واقعیت، از توده های می انجامد، و بناگزر به آلمان سوسیالیسم لطمه می زند و برعکس اغراق در مورد نقش این ویژگیها و یا انحراف از حقیقت جهانشمول مارکسیست - لنینیستی درباره انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم

به بهانه این ویژگیها، به همان میزان برای آلمان سوسیالیسم زیان بخش است. شرکت کنندگان در گردهمایی بر آنند که با این هردو گرایش می باید بطور همزمان مبارزه شود. احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی می باید عمیقاً "به اصل تلفیق حقیقت جهانشمول مارکسیست - لنینیستی فوق با پراتیک ویژه انقلاب و ساختمان سوسیالیسم در کشورهای خود وفادار بمانند؛ قوانین عام ناظر بر انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیستی را، منطبق با شرایط مشخص کشورهایشان، بطور خلاق بکار بندند؛ از یکدیگر بیاموزند و در تجربه همدیگر سهیم باشند. کاربرد خلاق قوانین عام ساختمان سوسیالیسم، که آزموده شده و به محک تجربه خورده است، و تنوع اشکال و روشهای بنای سوسیالیسم در کشورهای مختلف، نمودار خدمت جمعی به تئوری مارکسیسم - لنینیسم است.

تئوری مارکسیسم - لنینیسم از ماتریالیسم دیالکتیک سرچشمه می گیرد. این جهان بینی با زتاب قانون جهانشمول تکامل طبیعت، جامعه و فکر بشری است. این جهان بینی برای گذشته، حال و آینده معتبر است. متافیزیک و ایده آلیسم رودر روی ماتریالیسم دیالکتیک قرار گرفته اند. چنانچه حزب سیاسی مارکسیستی مسایل خود را بر اساس دیالکتیک و ماتریالیسم بررسی نکند، نتیجه اش یکسونگری و ذهنی گری، جمود فکری، جدایی از زندگی و ناتوانی در تحلیل ضروری اشیاء و پدیده ها، اشتباههای رویزیونیستی و دکماتیستی و اشتباه در سیاست خواهد شد. کاربرد ماتریالیسم دیالکتیک در کار عملی و آموزش روح مارکسیسم - لنینیسم به کارگزاران حزب و توده های وسیع از وظایف مبرم احزاب کمونیست و کارگری است.

در مرحله فعلی، تشدید مبارزه علیه گرایشهای اپورتونیستی

در جنبش کارگری و کمونیستی از اهمیت حیاتی برخوردار است .  
 گردهمایی بر ضرورت غلبه قاطع بر رویزیونیسم و دگماتیسیم در  
 صفوف احزاب کمونیست و کارگری تاء کید می کند . امروزه  
 رویزیونیسم و دگماتیسیم در جنبش طبقه کارگر و کمونیستی  
 همانند گذشته ، پدیده هایی بین المللی اند . دگماتیسیم و  
 سکتاریسم ، مانع تکامل تئوری مارکسیسم - لنینیسم و کاربرد  
 خلاق آن در شرایط متحول می شود ، نقل قولها و تلمودیسیم<sup>۱</sup> را  
 جانشین بررسی وضعیت مشخص می سازد ، و موجب جدایی حزب از  
 توده ها می گردد . حزبی که در لاک سکتاریسم فرورفته و تماس خود  
 را با توده ها از دست داده است نمی تواند برای آرمان طبقه  
 کارگر پیروزی به ارمغان آورد .

احزاب کمونیست ، ضمن محکوم کردن دگماتیسیم ، معتقدند  
 که خطر اصلی در حال حاضر ، رویزیونیسم یا به عبارت دیگر ،  
 اپورتونیسم راست است که بغنوان جلوهای از ایدئولوژی  
 بورژوازی ، توان انقلابی طبقه کارگر را تحلیل برده خواهان  
 حفظ یا احیاء کاپیتالیسیم است . اما دگماتیسیم و سکتاریسم  
 می تواند در مراحل مختلف تکامل این یا آن حزب نیز خطر اصلی  
 باشد . این برعهده هر حزب کمونیست است که تشخیص دهد در  
 یک مقطع زمانی ، کدام خطر آن را بیشتر تهدید می کند .

ساید خاطر نشان ساخت که تسخیر قدرت توسط طبقه کارگر  
 تنها آغاز انقلاب است . نه پایان آن . طبقه کارگر پس از  
 تسخیر قدرت ، با وظایف خطیر مبارزه با زسازی سوسیالیستی

(۱) Telmudism سنت گرایی و عمل بر اساس نص قوانین و  
 احکام ، بدون توجه به انطباق آن با شرایط متحول جاری . این  
 واژه از اسم تلمود ، مجموعه احکام و قوانین الهی و اخبار و  
 احادیث دین یهود ، گرفته شده است . م

اقتصاد ملی و پی ریزی بیاد اقتصادی و تکنیکی سوسیالیسم  
 مواجه است . در عین حال ، بوژوازی سرنگون شده همیشه در  
 تلاش بازگشت است ؛ نفوذ بورژوازی ، خرده بورژوازی و  
 روشنفکران آنها بر جامعه ، هنوز زیاد است . از اینروست که  
 برای حل قطعی مساله که بر که پیروز خواهد شد سرمایه داری یا  
 سوسیالیسم - زمانی نسبتاً طولانی لازم است . وجود نفوذ  
 بورژوازی منشاء داخلی رویزیونیسم ، بشمار می رود ، حال آنکه  
 تسلیم در مقابل فشار امیرالیسم ، منشاء خارجی آنست .

رویزیونیسم جدید در پی آنست که آموزش های سرگ مارکسیسم  
 لنینیسم را لوٹ کند ، اعلام می نماید که مارکسیسم - لنینیسم  
 " منسوخ " شده ، و ادعا می کند که مارکسیسم - لنینیسم اهمیت  
 خود را برای پیشرفت اجتماعی اردست داده است . رویزیونیست  
 ها سعی می کنند روح انقلابی مارکسیسم را نابود کنند ، ایمان  
 به سوسیالیسم را در میان طبقه کارگر و زحمتکشان بطور کلی فرو  
 بریزند . آنان ضرورت تاریخی یک انقلاب پرولتری و دیکتاتوری  
 پرولتاریا را در دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را انکار  
 می کنند ، منکر نقش رهبری حزب مارکسیست - لنینیسی هستند ،  
 اصول انترناسیونالیسم پرولتری را مردود می شمارند و خواهان  
 رد اصول لنینی سازمان حزب ، و بالاتر از همه ، خواهان رد  
 سانترالیسم دموکراتیک ، بمنظور تبدیل حزب کمونیست از  
 یک سازمان انقلابی رزمنده به نوعی انجمن بحث آزاد هستند .

تجربه جنبش کمونیستی بین المللی نشان می دهد که دفاع  
 مصممانه احزاب کمونیست و کارگری از وحدت مارکسیست -  
 لنینیستی صفوفشان ، و مانعت از دسته بندیها و گروه هایی که  
 این وحدت را تضعیف می کند ، لازمه حل موفقیت آمیز وظایف  
 انقلاب سوسیالیستی ، لازمه بنای سوسیالیسم و کمونیسم است .  
 احزاب کمونیست و کارگری با وظایف عظیم تاریخی مواجه اند .

انجام این وظایف نه فقط وحدت فشرده تراحزاب کمونیست و کارگری بلکه وحدت فشرده تر کل طبقه کارگر را الزام آور می کند. تحکیم اتحاد طبقه کارگر و دهقانان را، گرد آمدن زحمتکشان، انسانهای مترقی و نیروهای آزا دیخواه و صلحدوست جهان را ضروری می سازد.

دفاع از صلح مهمترین وظیفه جهانی روز بشمار می رود. احزاب کمونیست و کارگری در همه کشورهای طرفدار اقدام مشترک در وسیع ترین مقیاس ممکنه با همه نیروهای دوستدار صلح و مخالف جنگ هستند. شرکت کنندگان در کردهمایی اعلام می دارند که از تلاشهای همه دولتها، احزاب، سازمانها، جنبشها و افرادی که از صلح دفاع و با جنگ مخالفت می کنند، که خواستار همزیستی مسالمت آمیز، خواستار امنیت جمعی در اروپا و آسیا، کاهش جنگ افزارها، منع استعمال و آزمایش سلاحهای اتمی هستند، پشتیبانی می کنند.

احزاب کمونیست و کارگری، مدافعان وفادار منافع ملی و دمکراتیک خلقهای همه کشورهای هستند. طبقه کارگر و خلقهای بسیاری از کشورهای هنوز با وظایف تاریخی مبارزه برای استقلال ملی، علیه تجاوز و استعماری و ستم فئودالی مواجه اند. آنچه در اینجا مورد نیاز است عبارت از یک جبهه متحد ضد امپریالیستی و ضد فئودالی متشکل از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی و دیگر نیروهای دمکرات میهن پرست است. واقعیات بشماری نشان می دهد که هر چه اتحاد نیروهای مختلف میهن پرست و دمکرات قویتر و بیشتر باشد تضمین بیشتری برای پیروزی در مبارزه مشترک وجود دارد.

در حال حاضر لبه تیز مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم علیه خطر جنگ در راه منافع حیاتی شان متوجه گروههای بزرگ انحصار سرمایه است که مسئول اصلی مسابقه تسلیحاتی، سازمانگرو الهام بخش طرحهای جنگی جدید، و پایگاه تجار و زارتجاع هستند.

منافع و سیاست مشتی انحصارات، بطور روز افزون، نه تنها با منافع طبقه کارگر بلکه با (منافع) دیگر بخشهای جامعه سرمایه داری، دهقانان، روشنفکران، خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط شهری، نیز در تضاد است. در آن دسته از کشورهای سرمایه داری که انحصارات آمریکایی در صد برقراری هژمونی خویش هستند و در کشورهای که از سیاست توسعه طلبی اقتصادی و نظامی ایالات متحد در رنج هستند شرایط عینی جهت اتحاد بخشهای وسیعی از مردم، تحت رهبری طبقه کارگر و احزاب انقلابی، برای نبرد در راه صلح، در دفاع از استقلال ملی و آزادیهای دمکراتیک، بخاطر ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان، برای انجام اصلاحات ارضی را دیکال و سرنگونی حاکمیت انحصارات که به منافع ملی خیانت می کنند، در حال پیدایش است.

تغییرات ژرف تاریخی و برهم خوردن قطعی توازن قوا بسود سوسیالیسم در عرصه بین المللی، و رشد قدرت جاذبه اندیشه های سوسیالیستی در میان طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و روشنفکران زحمتکش، شرایط مساعدتری برای پیروزی سوسیالیسم پدید آورده است.

اشکال گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در کشورهای مختلف ممکن است با هم تفاوت داشته باشند. طبقه کارگر و پیشاهنگ آن - حزب مارکسیست - لنینیست - در پی تحقق انقلاب سوسیالیستی از راههای مسالمت آمیز است. این با منافع طبقه کارگر و تمام خلق، با منافع ملی کشور و نطبق دارد.

امروز در تعدادی از کشورهای سرمایه داری، اگر طبقه کارگر متحد باشد، جبهه خلق یا دیگر اشکال عملی توافق و همکاری میان احزاب و سازمانهای اجتماعی مختلف وجود داشته باشد،

طبقه‌ها را رگر فرصت آن را دارنده که به رهبری حزب پیشاهنگ آن اکثریت مردم را متحد سازد، قدرت دولت را بدون جنگ داخلی بدست آورد و انتقال وسایل اساسی تولید را به مردم میسر کند. طبقه کارگر، با اتکاء به اکثریت مردم و با طرد قاطع عناصر اپورتونیست که قادر به ترک سیاست مصالحه با سرمایه داران و زمینداران نیستند، می‌تواند نیروهای ارتجاعی ضد خلقی را شکست دهد، اکثریت پایداری را در پارلمان تأمین کند، پارلمان را از آلت دست منافع طبقاتی بورژوازی به ابزاری برای خدمت به زحمتکشان تبدیل کند، مبارزه‌های توده‌ای را در فراسوی پارلمان به راه اندازد، مقاومت نیزه‌های ارتجاعی را درهم شکنند و شرایط لازم برای تحقق مسالمت آمیز انقلاب سوسیالیستی را فراهم آورد. همه اینها فقط از طریق تکامل پرداخته و بی‌وقفه مبارزه طبقاتی کارگران، توده‌های دهقانی و اقشار متوسط شهری علیه سرمایه انحصاری بزرگ، علیه ارتجاع، بخاطر اصلاحات عمیق اجتماعی، بخاطر صلح و سوسیالیسم امکان پذیر خواهد بود.

در صورتی که طبقات استثمارگر به قهر علیه مردم توسل جویند امکان گذار غیر مسالمت آمیز به سوسیالیسم را با دید در نظر داشت. لنینیسم می‌آموزد، تجربه تایید می‌کند که طبقات حاکم هیچگاه داوطلبانه از قدرت دست نمی‌کشند. در این صورت میزان حدت و اشکال مبارزه طبقاتی، بیش از آنکه به پیرولتاریا بستگی داشته باشد، به مقاومت محافل ارتجاعی در مقابل اراده اکثریت قریب به اتفاق مردم، به اعمال زور این محافل در این یا آن مرحله از مبارزه برای سوسیالیسم بستگی دارد. امکان این یا آن راه بسوی سوسیالیسم، به شرایط مشخص هر کشور بستگی دارد.

احزاب کمونیست در نظر دارند که در مبارزه بخاطر شرایط بهتر

برای زحمتکشان، بخاطر حفظ و گسترش حقوق دمکراتیک آنان بخاطر کسب و ابقاء استقلال ملی و صلح در میان ملت‌ها و نیز در مبارزه برای کسب قدرت و بنای سوسیالیسم، با احزاب سوسیالیست همکاری کنند. اگرچه رهبران جناح‌های راست احزاب سوسیالیست منتهای کوشش خویش را برای جلوگیری از این همکاری بعمل می‌آورند، در بسیاری مسایل، فرصت‌های فزاینده‌ای برای همکاری میان کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها وجود دارد. اختلافات ایدئولوژیک میان احزاب کمونیست و سوسیالیست نباید آنان را از برقراری وحدت عمل در بسیاری از مسایل مبرمی که جنبش طبقه کارگر با آن روبروست، بازدارد.

در کشورهای سوسیالیستی، که طبقه کارگر در قدرت است، احزاب کمونیست و کارگری، که امکان برقراری روابط نزدیک با توده‌های وسیع خلق را دارند، می‌باید همواره بر آنان (بر توده‌ها) تکیه کنند و بنای سوسیالیسم و دفاع از سوسیالیسم را بصورت آرمان میلیون‌ها مردمی در آورند که خویشان را صاحبان اصلی کشورشان می‌دانند. اقداماتی که در سال‌های اخیر توسط کشورهای سوسیالیستی جهت گسترش دموکراسی سوسیالیستی و تشویق انتقاد و انتقاد از خود بعمل آمده از اهمیت بسزایی برای افزایش فعالیت و ابتکار خلاق توده‌های وسیع و همبستگی آنان، برای تحکیم نظام سوسیالیستی و پیشبرد ساختار سوسیالیسم، برخوردار است.

برای تحقق بخشیدن به همبستگی واقعی طبقه کارگر، کلیه زحمتکشان و تمامی انسانهای مترقی و نیروهای صلح دوست و آزادیخواه جهان، ضروریست که بیش از هر چیز وحدت احزاب کمونیست و کارگری ارتقاء یابد، و همبستگی میان احزاب کمونیست و کارگری همه کشورهای تحکیم گردد. این همبستگی محور همبستگی با زهم‌عظیم‌تر، و ضامن اصلی پیروزی آرمان

طبقه کارگراست .

احزاب کمونیست و کارگری با توجه به سرنوشت نظام جهانی سوسیالیستی و جنبش بین المللی کمونیستی، مسوولیت پراهمیت ویژه ای برعهده دارند . احزاب کمونیست و کارگری حاضر در کردهمایی اعلام می دارند که وحدت و همکاری رفیقانه خویش را بمنظور تحکیم بیشتر دولت های مشترک المنافع و به نفع جنبش بین المللی طبقه کارگر، به نفع صلح و سوسیالیسم، بطور خستگی ناپذیر ارتقاء خواهند داد .

کردهمایی با خرسندی متذکر می شود که جنبش بین المللی کمونیستی رشد یافته است ، در برابر آزمون های خطیر پیشماری ایستادگی نموده است ، و به پیروزی هایی بزرگ نایل شده است . کمونیست ها با اعمال خویش ، نیروی زنده تئوری مارکسیسم - لنینیسم را در مقیاسی جهانی برای زحمتکشان به اثبات رسانده اند و توانایی خود را نه تنها در اشاعه آرمانهای سترگ سوسیالیسم بلکه در تحقق آنها تحت شرایط بسیار دشوار نیز ثابت کرده اند . جنبش کمونیستی، همانند تمامی جنبشهای مترقی در تاریخ بشر، ناگزیر به مقابله با مشکلات است ، و راه آن مسیری مستقیم نخواهد بود . اما ، همچون گذشته ، مشکلات یا موانع نه اکنون و نه در آینده نخواهد توانست قوانین عینی ناظر بر پیشرفت تاریخی را تغییر دهد یا عزم راسخ طبقه کارگر برای دگرگون سازی دنیای کهنه و خلق دنیایی نوین متزلزل کند . کمونیستها از زمانی که مبارزه خود را آغاز کرده اند ، مورد تعقیب و آزار نیروهای ارتجاعی بوده اند ؛ اما جنبش کمونیستی همه حملات راقهرمانانه دفع می کند و نیرومندتر و آبدیده تر آزمونها را پشت سر می گذارد . کمونیستها از طریق تحکیم بیشتر وحدت خویش با تلاشهای نیروهای امپریالیستی مرتجع برای بازداشتن جامعه از پیشروی به سوی عصری نوین ، مقابله می کنند .

برخلاف ادعاهای پوچ امپریالیسم درباره اصطلاح بحران کمونیسم ، جنبش کمونیستی در حال رشد و قدرت یابی است . تصمیمات تاریخی کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی نه فقط برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و ساختمان کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارای اهمیت عظیمی است بلکه مرحله جدیدی در جنبش جهانی کمونیستی گشوده و تکامل بیشتر آن را در راستای مارکسیسم - لنینیسم تسهیل کرده است . نتایج کنگره های احزاب کمونیست چین ، فرانسه ، ایتالیا و دیگر کشورها در ایام اخیر ، وحدت و همبستگی صفوف حزب و وفاداریشان به اصول انترناسیونالیسم پرولتری را به وضوح نشان داده است . این کردهمایی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری، گواه دیگری بر همبستگی بین المللی جنبش کمونیستی است .

شرکت کنندگان در کردهمایی، پس از تبادل نظر، به این نتیجه رسیدند که در شرایط حاضر مقتضی است، علاوه بر ملاقاتهای دوجانبه رهبران کارگری و تبادل اطلاعات، بر حسب نیاز، کنفرانس های بیشتری از نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری برای بحث پیرامون مسایل جاری، مشارکت در تجربیات همدیگر، بررسی نظرات و تالیقات یکدیگر و اقدام هماهنگ در مبارزه مشترک برای اهداف مشترک - صلح، دموکراسی و سوسیالیسم - برپا گردد .

شرکت کنندگان در کردهمایی متفقا "اطمینان راسخ خود را ابراز می دارند که احزاب کمونیست و کارگری از طریق فشرده کردن صفوف خود، و بدینوسیله متحد کردن طبقه کارگر و خلقهای کلیه کشورها، بدون شک بر تمامی موانعی که بر سر راه "حرکت به پیش" آنان وجود دارد فائق خواهند آمد و پیروزیهای بزرگ و بیشتر آرمان صلح، دموکراسی و سوسیالیسم، را در مقیاس جهانی تسریع خواهند کرد .

کمونیست سوئد، سوریه، لبنان، تایلند، چکسلواکی، تونس، ترکیه، اتحاد شوروی، اوروگوئه، ونزوئلا، حزب کارگران ویتنام و اتحاد کمونیست های یوگسلاوی.

شرکت کنندگان در گردهم آیی به تبادل نظر پیرامون مسایل مربوط به وضع کنونی جهان پرداختند و در پایان، نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری بیانیه ای درباره صلح خطاب به کارگران و دهقانان تمامی کشورها و مردان، زنان و انسانهای شرافتمند سراسر جهان انتشار دادند که متن آن در زیر خواهد آمد.

گردهم آیی نمایندگان احزاب کمونیست در محیطی سرشار از همکاری و تفاهم برگزار شد و این خود بیانگر علائق مشترک احزاب برادر است که حول ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری متحد شده اند.

کارگران و دهقانان | خادمان علوم، فنون و فرهنگ |  
انسانهای شرافتمند سراسر جهان |

ما، نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای گوناگون، که برای بزرگداشت چهلمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در مسکو گرد آمده ایم، شما و منطق شما را به یاری می طلبیم.

هنوز خاطره ددمنشی ها و ویرانگری های جنگ دوم جهانی از یادها نرفته و آثار شوم آن کاملاً محو نگشته که شبح دهشتناک جنگ دیگری بر فراز شهرها و روستاهای ملخ طلب بال می گسترد، جنگی که در صورت وقوع صدها با ویرانگری تر از جنگ های پیشین خواهد بود. هیچ کشوری در جهان یافت نمی شود که بیم وقوع جنگی تا ز آرامش مردمانش را برهم نزده و شادی زندگیشان را به اندوه بدل نساخته باشد. و این مردمان بانگرانی از خود

## بیانیه صلح

حضور هیات های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری در مسکو برای شرکت در مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، فرصتی فراهم آورد تا این هیات ها در دیداری دوستانه به بررسی مسایل مورد علاقه فیما بین بپردازند. در این گردهم آیی، که از ۱۶ تا ۱۹ نوامبر در مسکو برگزار شد، نمایندگان احزاب زیر شرکت داشتند:

حزب کارآلبانی، احزاب کمونیست الجزایر، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بولیوی، برزیل، بلغارستان، حزب ترقیخواه کارکانادا، احزاب کمونیست سیلان، شیلی، چین، کلمبیا، حزب کارکره، حزب پیشرو توده ای کستاریکا، حزب سوسیالیست خلق کوبا، حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست توده ای جمهوری دومینیکن، اجزاب کمونیست اسپانیا، اکوادور، فنلاند، فرانسه، بریتانیا، یونان، گواتمالا، هندوژاس، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، احزاب کمونیست هند، اندونزی، عراق، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، اردن، لوگزامبورگ، مالزی، مراکش، مکزیک، حزب انقلابی توده ای مغولستان، احزاب کمونیست نروژ، زلاندنو، حزب توده ای پاناما، احزاب کمونیست پاراگوئه، هلند، پرو، حزب کارگر لهستان، احزاب کمونیست پرتغال، آلمان، حزب سوسیالیست متحده آلمان، حزب کاررومانی، حزب کمونیست سان مارینو، حزب کارسوئیس، احزاب

می‌پرسند: فردا، یکماه یا یکسال دیگر چه پیش خواهد آمد؟ آیا امکان دارد که دوباره شعله‌های جنگ، کاشانه‌هایمان را در کام خود فرو برد و بمب‌های اتمی و هسته‌ای مزگی ناگهانی برای ما و فرزندمان به ارمغان آورد؟

ملت ما تا کنون تجربه تلخ دو جنگ جهانی را پشت سر گذاشته‌اند و مردم عادی؛ که در جریان نبردهای مسلحانه، بیشترین رنج‌ها را متحمل می‌شوند؛ بخوبی می‌دانند که هر پیکار تازه، فجایعی هولناک‌تر، ویرانی‌های بیشتر و کشتارهای گسترده‌تری ببار می‌آورد و آثاری آنچنان دهشتناک از خود بجای می‌گذارد که محوشان به آسانی ممکن نیست.

نخستین جنگ جهانی؛ که به تحریک قدرت‌های بزرگ امپریالیستی و از سوی میلیتاریسم آلمان آغاز شد، زندگی ۱۰ میلیون انسان را بباد فنا داد، دهها میلیون معلول و ناقص‌العضو بجای گذاشت و خلق‌هایی را یکسره به چنگال فقر و محرومیت در انداخت. دومین جنگ جهانی؛ که فاشیسم آلمان مسبب اصلی آن بود؛ نه تنها جبهه‌ها و ارتش‌های بی‌شماری را به ورطه نابودی می‌کشاند، بلکه با بمباران شهرهای بی‌دفاع و ویران کردن آنها، صدها هزار شهروند صلح‌طلب را به کام مرگ فرستاد؛ میلیون‌ها زن و مرد و کودک در اسارتگاهها اتاق‌های گاز و اردوگاه‌های مرگ هیتلر، میلیونها مرد، زن و کودک قربانی شدند و سرانجام در پایان ویرانی و کشتار، منابع مادی بینهایت غنی؛ که برای ساختن هزاران شهر پیشرفته و تغذیه و پوشاک تمامی مردم کشورهای گوناگون کافی بود؛ ضایع و تباه گشت. جنگ دوم جهانی به بهای زندگی بیش از سی میلیون انسان و مجروح و معلول شدن میلیونها تن پایان گرفت و در آخرین روزهای آن نخستین بمب‌های اتمی بر فراز شهرهای بی‌دفاع ژاپن فروریخته شد

و تصویری دهشتناک از کشتارهای آینده را ترسیم کرد. ابعاد ویرانی‌های جنگ سوم - در صورتی که خلقها بگذارند آغاز شود - بسیار گسترده تر از آنچه خواهد بود که تا کنون بشریت به خود دیده‌است و برای اثبات این موضوع هیچ نیازی به نبوغ دانشمندان یا خیال‌پردازی‌های شاعران نیست. ساکنان اروپا، آمریکا، آسیا، آفریقا و استرالیا بخوبی می‌دانند که انسان در آزاد ساختن نیروهای طبیعت به چنان پیشرفت‌های شگرفی دست یافته و سلاح‌هایی آنچنان مخرب بوجود آورده که قادر است هر نقطه‌ای از جهان را به ویرانی و نابودی کشد. اگر جنگ دوباره سرگیرد، انسان هیچ مکانی را بر روی زمین نمی‌یابد که بتواند آنجا پناه برده و خود را در امنیت احساس کند زیرا شعله‌های جنگ اتمی و هسته‌ای و جنگ موشکی، تمامی کشورها و خلقها را در بر خواهد گرفت و فجایعی بی‌شمار برای نسل‌های بی‌شمار بیار خواهد آورد.

مردم عادی سراسر جهان، قطع نظر از ملیت و عقاید سیاسی، اعتقادات و رنگ پوستشان، می‌خواهند در صلح زندگی کنند و می‌پرسند: آیا انسان هوشمندی که بر تمامی رازهای طبیعت دست یافته و روبه‌روز بر آن چیره ترمی‌شود، آیا این انسان؛ که در پی پرتاب سفینه‌های فضایی شوروی؛ قادر خواهد بود تا در آتیه نزدیک به سیارات دست یابد، نمی‌تواند از جنگ جلوگیری و نگذارد که بشریت گورکن خود شود؟

ما، نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری با آگاهی کامل به مسئولیت خویش در قبال سر نوشت خلق‌ها، اعلام می‌داریم:

"جنگ تقدیر ناگزیر انسانها نیست، می‌توان از وقوع آن جلوگیری و می‌توان در دفاع از صلح و تحکیم آن کوشید."

امروز ما در پارتیتخت کشوری گرد آمده ایم که، چهل سال پیش فصلی تا زه در تاریخ بشریت گشود. در سال ۱۹۱۷، نخستین انقلاب سوسیالیستی در سرزمین روسیه به پیروزی رسید، کارگران قدرت را بدست گرفتند و نابودی تمام نیروهای سرگوبگرو و محواستثمار انسان از انسان را هدف خویش قرار دادند. کارگران و دهقانان روسیه، تحت رهبری حزب لنین، شعار صلح بر پرچمشان رقم زدند و همواره به این شعار وفادار ماندند. کشورشوراها، در چهل سالی که از عمرش می گذرد، تمامی خلق ها را به راه صلح هدایت نموده و به رغم موانع متعددی که امپریالیست ها در برابرش بوجود آورده اند، همواره خواستار همکاری صلح آمیز با دیگر کشورها، صرف نظر از نظام اجتماعی حاکم بر آنها، بوده است.

کارگران کشورهای سرمایه داری نیز، به اقتضای منافع حیاتی خود، فعالانه به مبارزه برای استقرار صلح پیوسته اند و تمامی انسان های ترقیخواه جهان به حمایت از این آرمان شرافتمندانانه برخاسته اند. با این همه نیروهای صلح طلب نتوانستند بشریت را از فاجعه جنگ دوم جهانی نجات دهند زیرا در آن هنگام شما نیروهای جنگ طلب بسیار زیاد و اتحاد شوروی تنها کشوری بود که مبارزه ای سازمان یافته را در راه استقرار صلح به پیش می برد.

اما به اعتقاد ما کمونیست ها، امروز پیشگیری از جنگ و دفاع از صلح امکان پذیر است. ما به این موضوع ایمان راسخ داریم زیرا، اکنون، وضعیت جهان و رابظه نیروها کاملاً دگرگون شده است. امروز کشورشوراها، این ثمره انقلاب سوسیالیستی اکتبر، دیگر در انزوای سرنمی برد. ما پس از پیروزی بر فاشیسم، شاهد پیدایش جهانی سوسیالیستی بوده ایم که حدود یک میلیارد نفر را در بر می گیرد. امروز اتحاد

شوروی در مبارزه برای استقرار صلح و همکاری جهانی، در مبارزه برای همزیستی مسالمت آمیز نظام های اجتماعی گوناگون، دوش بدوش قدرت سوسیالیستی بزرگ دیگر، یعنی چین توده ای، گام بر می دارد و دمکراسی های توده ای اروپا و آسیا نیز در راه همان هدف، یعنی استقرار صلح، مبارزه می کنند. اکنون توسعه شگرف صنایع، علوم و فنون در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، و خدمت پیشبرد آرمان صلح قرار دارد و ما نیمی جدی در برابر آغاز جنگ بشمار می رود. علاوه بر همه اینها، امروز ما شاهد شکل گیری قدرت دیگری در جهان هستیم زیرا بیداری خلق های مستعمرات در پی انقلاب اکتبر، سبب رهایی آنان از یوغ وابستگی های چند صد ساله گردید و هم اکنون نیز بسیاری از آنان در راه رهایی گام بر می دارند، این خلق ها، که خواهان زندگی در صلح و آرامش و مخالفت مداخله قدرت های امپریالیستی در امور داخلی خود هستند، برای پایان بخشیدن به فقر و عقب ماندگی کشور هایشان، سیاستی صلح آمیز و بی طرفانه در پیش گرفته اند، سیاستی که بر "اصل" مشهور: احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، مساوات بر مبنای منافع متقابل و همزیستی مسالمت آمیز، استوار است. علاوه بر خلق های کشورهای سوسیالیستی و شرق، خلق های کشورهای سرمایه داری غرب نیز، که از دو جنگ رنج برده اند، خواهان جنگ نبوده و عمیقاً از آن متنفرند.

اکنون نیروهای صلح طلب از چنان کمیتی برخوردارند که می توانند سردر آه جنگ شده، از صلح پاسداری کنند. با این همه ما، کمونیست ها، باز هم وظیفه خود می دانیم به تمامی انسان ها هشدار دهیم که خطر آغاز جنگی هولناک و خانمانسوز هنوز بر طرف نشده است. در پاسخ این سوال که چه چیز صلح و امنیت جهانی را تهدید می کند باید گفت انحصارات سرمایه داری، که در جریان دو جنگ،

را از مسابقه تسلیحاتی کنونی، ثروت‌های افسانه‌ای جیب‌زده‌اند، در رویای آغاز جنگی دیگر بسر می‌برند و این جنگ را در خدمت تامین منافع خود می‌دانند. اما مخارج کفر شکن مسابقات تسلیحاتی، که سودهای کلان آن بجیب انحصارات سرازیر می‌شود، روز به روز بیشتر. کارگران را خمیده تر ساخته و وضع اقتصادی کشورها را دچار بحران‌های جدی می‌سازند و در چنین شرایطی، محافل رهبری کشورهای امپریالیستی، زیر فشار انحصارات سرمایه‌داری، بویژه انحصارات امریکائی، از پذیرفتن پیشنهادهای صلح طلب مبنی بر خلع سلاح، منع استعمال سلاح‌های هسته‌ای و سایر پیشنهادهای که بمنظور ازمیان بردن خطر وقوع جنگ ارائه می‌شود، سرباز می‌زنند. کشورهای صلح طلب پیشنهادهای مشخص فراوانی به سازمان ملل ارائه داده‌اند که پذیرش آنها به تحکیم صلح و کاهش خطر بروز جنگ خواهد انجامید. هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که پذیرش پیشنهادهای مبنی بر قطع مسابقه تسلیحاتی، ازمیان بردن خطر جنگ اتمی، همزیستی مسالمت آمیز دولت‌ها و گسترش همکاری‌های اقتصادی میان آنها، که عاملی تعیین کننده برای ایجاد اعتماد لازم در روابط میان دولت‌هاست، بسود تمام خلق‌ها تمام خواهد شد. سرنوشت جهان و نسل‌های آینده بستگی فراوان به حل این مسائل دارد اما پیشنهادهای کشورهای صلح طلب تاکنون با مقاومت سرسختانه کسانی که حفظ منافعشان را در گرو ادامه تنش‌های جهانی می‌بینند، روبرو شده است.

ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، هزاران روزنامه و وسائل ارتباط جمعی بطور مداوم به گوش مردم می‌خوانند که "کمونیسم جهانی" آزادی، شیوه زندگی و آراشان را تحدید می‌کند حال آنکه هیچ کشور کمونیستی و سوسیالیستی از آغاز جنگ یا از حمله به کشورهای دیگر و فتح سرزمین‌های دیگران، نفعی عایدش نمی‌شود. اتحاد شوروی و چین

توده‌ای، خود دارای زمین‌های وسیع و منابع طبیعی بسیار غنی هستند و در کشورهای سوسیالیستی، طبقه یا قشری وجود ندارد که به جنگ علاقمند باشد. کارگران و دهقانان این کشورها، که قدرت را در دست دارند، در تمام جنگ‌های بیشترین قربانیان را داده‌اند. پس چگونه می‌توانند خواهان راه افتادن قصابی تازه‌ای باشند؟ هدف کمونیست‌ها ساختن جامعه‌ای است که بتواند رفاه عمومی، سعادت تمام می‌خلق‌ها و صلح ابدی میان ملت‌ها را تضمین کند و کمونیست‌ها برای ساختن چنین جامعه‌ای، نیاز به صلح پایدار و استوار دارند. از همین روست که کمونیست‌ها آشتی‌ناپذیرترین جنگ و سرسخت‌ترین قهرمانان صلح بشمار می‌آیند! کشورهای سوسیالیستی مایل نیستند کم‌بازگاری، زور، نظام اجتماعی و سیاسی خود را به خلق‌ها تحمیل کنند. آنان عمیقاً اجتنابناپذیر بودن بیروزی سوسیالیسم‌ایمان‌دادندا ما این را نیز می‌دانند که سوسیالیسم را نمی‌توان صادر کرد، و میدانند که استقرار سوسیالیسم در کشورهای گوناگون، پیش از هر چیز، دستاورد مبارزه طبقاتی کارگران و توده‌های نیروهای ترقیخواه آن کشورهاست. از سوی دیگر، کشورهای سوسیالیستی خواهان مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر نیستند اما مداخله این کشورها در امور داخلی خود را نیز نخواهند پذیرفت. پس مشخص می‌شود که اشاعه ادعاهائی از این دست که کشورهای سوسیالیستی تهدیدی برای صلح جهانی بشمار می‌آیند زیرا می‌خواهند نظام اجتماعی خود را به زور به دیگران تحمیل کنند، تنها کوششی است در جهت فریب مردم صلح طلب.

امروز تنها شرط پاسداری از صلح، اتحاد همه نیروهای صلح دوست و هشیاری روزافزون آنان در برابر توطئه‌های جنگ‌افروزان است، این نیروها باید عمیقاً درک کنند که وظیفه مقدس آنان، در شرایطی که صلح جهانی دائماً در معرض تهدید قرار دارد، عبارتست از تشدید مبارزه برای استقرار صلح.

ما، با آرزوی رفاه و پیشرفت خلق‌های سراسر جهان و آینده‌ای  
بهبتر برای بشریت، شما را مخاطب قرار می‌دهیم، شما:

مردان و زنان،

کارگران و دهقانان،

پژوهشگران و هنرمندان،

آموزگاران و کارمندان،

جوانان،

پیشه‌وران، بازرگانان و صنعتگران،

سوسیالیست‌ها، دمکرات‌ها و آزادی‌خواهان،

شما، انسان‌هایی که به افق‌های سیاسی و مذهبی گوناگون  
تعلق دارید،

شما، میهن پرستان،

وکسانی که خواهان جنگ نیستند،

شما، انسان‌های شرافتمند سراسر جهان،

ما شما را به طرح خواسته‌های زیر فرا می‌خوانیم:

قطع مسابقه تسلیحاتی، که هر روز خطر جنگ را افزایش می‌دهد

وزیان آن بیش از همه متوجه شما، مردان کار و کوشش است،

منع تولید و کاربرد سلاح‌های اتمی و هسته‌ای و بویژه قطع فوری

آزمایش این سلاحها،

پایان دادن به سیاست تشکیل بلوک‌ها و پایگاه‌های نظامی

در سرزمین‌های دیگران،

دست کشیدن از تجهیزات نظامی مجدد میلیتاریسم آلمان،

این مسئول اصلی جنگ دوم جهانی، در قلب اروپا،

پایان بخشیدن به تحریکات و توطئه‌های جنگ افروزانه در

خاورمیانه،

ما شما را به حمایت از سیاست امنیت مشترک، همزیستی مسالمت

آمیز نظام‌های اجتماعی گوناگون و سیاست همکاری‌های اقتصادی

و فرهنگی گسترده میان خلقها، فرامی‌خوانیم. از حکومت‌های تان  
بخواهید در سازمان ملل متحد سیاستی صلح آمیز در پیش گرفته  
و در برابر جنگ سرد پایداری کنند،

روی سخن ما با همه انسانهای شرافتمند جهان است:

۱- قطع فوری آزمایش سلاح‌های اتمی و هسته‌ای،

۲- منع مطلق تولید و کاربرد سلاح‌های اتمی و هسته‌ای،

مبازه کنید.

ما کمونیستها زندگیمان را وقف مبارزه در راه آرمان  
سوسیالیسم کرده‌ایم و به پیروزی این آرمان بزرگ اعتقاد  
تزلزل ناپذیر داریم. و دقیقاً "بدلیل ایمان به پیروزی  
اندیشه‌هایمان، اندیشه‌های مارکس و لنین و انترناسیونالیسم  
پرولتری، خواهان صلح هستیم و در راه استقرار آن مبارزه  
می‌کنیم. ما جنگ را دشمن خود می‌دانیم.

با شکر از این پس کشورها و نظام‌های اجتماعی گوناگون تنها  
برای توسعه علوم و فنون و به خدمت گرفتن آنها برای استقرار  
صلح، به رقابت برخیزند؛ باشد که از این پس کشورها برتری  
خود را، نه در میدان‌های رزم، که در رقابت برای پیشرفت و  
بالا بردن سطح زندگی خلقهایشان به اثبات رسانند.

مادستانمان را بسوی تمامی انسانهای شرافتمند دراز  
می‌کنیم. بیایید، برای رهایی از قید اسارت سلاح‌هایی که بار  
سنگینشان بدوش خلقهاست، تلاش‌هایمان را یکی کنیم. بیایید  
جهان را از خطر جنگ، مرگ و ویرانی نجات بخشیم.

بدینسان، بشریت همچنانکه بسوی پیشرفت و ترقی گام  
برمی‌دارد، چشم‌انداز آینده‌ای روشن و سعادت‌مند را پیش‌رو  
خود خواهد دید.

**برقرار باد صلح جهانی!**

تکثیر از نهاد هواداری از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ( اکثریت ) در  
جنوب بریتانیا